لزوم توجه به هوش اشراق‌محور

جلسه قبل، یکی-دو بحث مطرح شد: مسأله استدلال و تسبیب یک انسان در هوشمند بودن چیزهایی که پشتوانه هوش مصنوعی دارند، مطرح شد. فرمایش داشتند که هنوز حل نشده. خیلی خوب است که مبادی بحث تکرار شود و معلوم شود که اگر اشتباه عرض کرده‌ام، اشتباه از کجا است و نقطه انحراف بحث را معلوم کنیم.

عرض ما این شد که در این مباحثه، سه بخش داریم و سعی من هم بر این است که این سه بخش را هر جلسه با هم جلو ببریم و یک تذکر تکراری عرض کنم. بخش اول، تفکیک بین پایه‌محور و اشراق‌محور بود که در جلسات متعدد از آن گفتوگو شد. بخش دوم، توضیح و تحلیل کارهای هوش‌نمای پایه‌محور بود. بخش سوم هم احکام فقهی و حقوقی آن‌ها بود که هر کدام از این‌ها را بررسی می‌کردیم و به آنچه که در بخش سوم راجع به استدلال بود، ان شاء الله می‌رسیم و الآن هم از آن بحث می‌کنیم. ولی خب هر کدام از قبلی ها را هم باید سری بزنیم. من عرض کردم بسیار مهم است که هوشی که در یک پایه به نحو پایه‌محور ظهور می‌کند ولی ظهوری غیر ناظرمحور را بررسی کنیم؛ ظهوری که به ناظر مربوط نیست و خودش دارد کارش را انجام می‌دهد، ولی هوش ظهور کرده در پایه‌ای بدون اشتراط به این‌که معدّ باشد تا یک ناظر آن هوش را درک کند، بلکه خودش ظهور کرده. این مطلبی بود که در هوش پایه‌محور عرض کردیم، اما معنایش این نیست که آن اشراق‌محور را کنار بگذاریم و فقط بگوییم بله آن قبول است! بلکه حتماً برای بحث‌هایی که کل بشر انجام می‌دهند، نیاز است آنچه را که خدای متعال در این مخلوق ضعیف خودش قرار داده، نشان بدهیم. مخلوق ضعیف، اما «وَ تَحْسَبُ [تزعم] أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ*** وَ فِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ*** وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي*** بِأَحْرُفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ»[1]؛ انسان چنین چیزی است. ولذا به موبایل‌های امروزی مثال زدم. خوب است که انسان را این جور بشناسند که شئونات مختلف او را لمس کنند، نه فقط اثبات منطقی. لمس شود تفاوت آن چیزهایی که از افاعیل روح او است و از روح او نشأت می‌گیرد، با آن چیزهایی که از پایه است را لمس کنند؛ چه پایه‌ای که محضاً در پایه ظهور کرده ای پایه‌ای که نه، مجالی یک کار روح است. دستگاه انسان خیلی عظیم است و نباید این‌ها را نادیده بگیریم.

عبارتی بود که از آقای تورینگ معروف نقل کردم؛ ایشان مدعی بود و می‌گفت ما طوری ماشین را در هوش عمومی هوشمند قرار می‌دهیم که هر چه دلت می‌خواهد بگویی، در این ماشین برای تو به ظهور می‌آورم - این حرفش بود - الاّ مسأله روح و خلق روح که این دیگر بیادبی به دستگاه خدا است. ما به محضر خدا بیادبی نمی‌کنیم که بگوییم در ماشین، روح خلق می‌کنیم و الاّ دیگر هر چه بخواهید به ظهور می‌آوریم. خب این یکی از غلط‌ترین حرف‌های قرن بیستم است. چرا؟ به‌خاطر این‌که کاری می‌کند که روح تشریفاتی می‌شود. هر چه در انسان هست را عرضه می‌کنیم، فقط روح است که نمی‌توانیم؛ چون فقط مخصوص خدای متعال است؛ «قُلِ الرُّوحُ مِن أَمرِ رَبِّي»[2]. در حالی که این‌چنین نیست و ما باید کار کنیم و نشان بدهیم. مثل همین شئوناتی که عرض کردم در این دستگاه‌ها هست؛ صوتی که از آن‌ها بیرون می‌آید از اندرون خودش است؟ از جای دیگری دریافت می‌کند؟ کسی که موبایل دارد و آگاه به اندرون است، فوری می‌فهمد که این‌جا فلان چیز از طریق سیم‌کارت آمده، از

طریق وای-فای آمده، این آن‌لاین است و دیگری نیست. این یک دستگاه ساده است که این توانایی‌اش مهم است که این چیزی که الآن در این صفحه ظهور می‌کند، از کجا می‌آید. انسان هم همینطور است؛ یعنی خدای متعال یک بدن جسمانی آفریده، اما ظهوراتی که در آن ایجاد می‌شود، سر از بی‌نهایت درمی‌آورد. بنابراین باید کاری کنیم که این امتیازها در بحث ما روشن باشد. هر کدام را شماره بزنید.

---

[1] دیوان أمیر المؤمنین(ع)، محقق، مصحح، زمانی، مصطفی، ص ۱۷۵.

[2] الاسراء۸۵

بازبینی #2
ایجاد شده 15 مه 2025 10:12:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2025 17:07:51 توسط ... .